جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ شماره ۶۴۳۲

پنجره‌ای رو به عدالت آموزشی

۷

نگاهی به فیلم «سینمامتروپل»

کاریکاتوری از مقاومت در آبادان

سینما علیه زامبی‌ها

۱۰

فرهنگ

مهم‌ترین رویداد شعری کشور چه مسیری را طی کرده است؟

جشنواره شعر فجر هرسال، یک شیوه

۱۱

هویت بصری ایرانی از سنت تا معاصریت

پانزدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر این روزها در حال برگزاری است. این دوره از جشنواره فرصت مناسبی برای هنرمندان جوان بود تا آثار خود را پیش روی مخاطبان قرار دهند. بخش نگارگری به‌عنوان یکی از هنرهای اصیل و سنتی ایران شاهد حضور هنرمندان برجسته هنر نگارگری در کنار جوانانی است که وارد این عرصه هنری شده‌اند.

۸

رسانه

گفت‌وگوی «جام‌جم» با ناصر ممدوح مدیر دوبلاژ تلویزیون به بهانه زادروزش

۶۰ سال خاطره با راوی مارکوپولو

۶

سبک زندگی

رشد دو برابری مصرف سیگار در بین دختران طی ۱۰ سال

تابویی که شکست

۱۲

یادداشت

دکتر قربانعلی تنگشیر | نایب رئیس انجمن متخصصان روابط عمومی ایران

سینما را جدی بگیریم

یکی از نقاط قوت جشنواره چهل‌ویکم حضور فیلم اولی‌ها بود. بسیاری از فیلمسازان این دوره کارهای اول‌شان را ارائه کرده‌بودند و حضور موفق آنها گواه این موضوع است که ما باید سینما را به نسل جدید بسپاریم. به ویژه حالا که فیلمسازان بزرگ قدیمی همچون کیمیایی، تقوایی و ... به دلیل سن بالا، واقعا کم کار می‌کنند و با این عملکرد می‌توان گفت باید شاهد یک پوست‌اندازی در سینما باشیم. بی‌شک با توجه به سوژه‌هایی که امسال در فیلم‌ها شاهد بودیم و نیز تنوع ژانر، می‌توان به فروش این فیلم‌ها نیز امیدوار بود.

من در همه جشنواره‌های فیلم فجر حاضر بودم و اکثر فیلم‌ها را دیده‌ام. با مروری بر جشنواره‌ها، هر دوره‌ای مشکلات و بحران‌های خودش را داشته و این بحران‌ها گاهی مواقع اثرگذار بوده‌اند. گاهی فیلمنامه‌نویس خوب نداشتیم، گاهی از داشتن بازیگر خوب محروم بودیم، گاهی سرمایه‌گذار خوب نداشتیم و به نوعی در یک کلمه آن‌گونه که باید به سینما بها ندادیم. به عبارتی مشکلات دولت به اندازه‌ای بود که هیچ‌وقت نتوانست به سینما به عنوان یک ابزار فرهنگی نگاه کند. می‌توان گفت ما امکانات فرهنگی کشور را جدی نگرفتیم، به همین دلیل هم هزینه‌ای برای فرهنگ نکردیم و نمی‌کنیم. حتی در خانواده‌ها نیز این مشکل وجود دارد.

هنرمندان مورد احترام مردم هستند و می‌توانند ان اعتماد عمومی را که در جامعه نیاز است به وجود آورند، به همین دلیل می‌توان از هنر آنها در فرهنگ‌سازی استفاده بهینه کرد. به ویژه آن‌که در حال حاضر در جامعه ما یک افسردگی پنهان وجود دارد و می‌توان از قدرت هنر اعم از سینما، تئاتر، موسیقی و... برای شاد کردن مردم استفاده کرد. شادی باعث انگیزه می‌شود و وقتی انگیزه داریم، بهتر فعالیت می‌کنیم. پس هر چه بهتر کار کنیم هم خود، خانواده و جامعه در مسیر پیشرفت بهتر عمل خواهدکرد.

معتقدم سینما می‌تواند کمک شایانی در این حیطه داشته‌باشد.

اگر درست نگاه کنیم در راستای فرهنگ‌سازی کار خوبی انجام نداده‌ایم، مثلا در ژانری مثل دفاع‌مقدس که متاسفانه در ایران اصلا به آن توجه کافی نکرده‌ایم، در کشورهای غربی هزینه بسیاری برای آن می‌کنند. چقدر شجاعت سربازان‌شان در جنگ جهانی اول و دوم را خوب به تصویر می‌کشند و این نشان از سرمایه‌گذاری درست در سینماست.

به عقیده من، برای داشتن یک سینمای موفق، همه باید کمک کنند. امسال در جایی که بخش خصوصی نتوانست به دولت کمک کند، موسسه اوج و فارابی به خوبی وارد شدند و فیلم‌های بسیار خوبی را تولید کردند. بی‌شک سینما نیاز به یک کمک همگانی دارد و اگر می‌خواهیم سینمای ملی داشته‌باشیم، همه باید کمک کنند و سینما را باید جدی بگیریم.

نکته‌ای که لازم می‌دانم در اینجا مطرح کنم نداشتن سناریونویس خوب است. ما برای سناریو نویسی هزینه نمی‌کنیم؛ این که با یک نفر قراردادی امضا شود و او یک سال روی یک فیلمنامه کار کند و اثر فاخری را ارائه کند. در حال حاضر در دنیا برای سینما هزینه‌های هنگفت می‌شود. سینمای ما به همین جشنواره خلاصه می‌شود و بعد از آن کسی دنبال امکانات و پروژه‌های خوب نمی‌رود.

گزارش

روایتی از دیدار رئیس رسانه‌ملی با ناشران دفاع‌مقدس

متن یعنی نان شب!

احسان ناظم‌بکایی
نویسنده

«این روزها در ماشین و بین جلسات، عصرهای کریسکان را می‌خوانم. قبلش جنگ صدام را خواندم. روی صندلی ماشین، پرِ کتاب است.» چرخش پرتقالی که دارد پوستش با کارد کنده می‌شود، متوقف می‌ماند. مرد ناشری که دارد پرتقال پوست می‌کند، لحظه‌ای می‌ماند با دهانی باز و چشمانی گرد شده، مثل این‌که برق گرفته باشدش، به سر میز یوشکل نگاه می‌کند تا دقتش را به سخنان کسی که این حرف‌ها را زده‌است، بیشتر کند.

رئیس سازمان صداوسیماست که دارد این حرف‌ها را می‌زند. دکتر جبلی وقتی چشمان گرد شده را می‌بیند، نمونه‌ای از کتاب هم می‌آورد. «رعد مجید حمدانی، فرمانده اسبق گارد ریاست‌جمهوری عراق در کتاب جنگ صدام می‌گوید ما در جنگ، دست برتر را داشتیم تا وقتی ایران، امواج انسانی را روانه جبهه‌ها کرد.» گردی چشمان را لبخند رضایت و خوشحالی، کاهش می‌دهد.

تعدادی از ناشران مجمع ناشران دفاع‌مقدس که یک ساعت و اندی است دور میز سالن کنفرانس ریاست سازمان در طبقه چهارم ساختمان شیشه‌ای نشسته‌اند و نکات‌شان را می‌گویند، از شنیدن این حرف‌ها دل‌شان گرم می‌شود. خیال‌شان راحت می‌شود که تمام حرف‌های‌شان را مدیر و مسئولی کتابخوان و اهل فرهنگ شنیده‌است.

دکتر جبلی در همان ابتدای حرف‌هایش و وقتی آخرین نکات آخرین مهمان را با دقت یادداشت می‌کند، رو به حضار با لبخند می‌گوید: «این جلسه نمادین نیست. فرهنگ‌سازی در حوزه کتاب از داخل صداوسیما شکل خواهدگرفت. وقتی برنامه‌سازان ببینند، مدیران و به خصوص رأس مدیریت مدام در تعامل با اهالی کتاب است، این فرآیند تبدیل به الگو و جریانی پایدار به دور از ابلاغ و دستور می‌شود.» حالا نوبت بقیه است که قلم و کاغذ بردارند و نکات را یادداشت کنند.

رئیس رسانه‌ملی بر متن تأکید دارد. «متن مثل نان شب برای رسانه است» سرها به نشانه تایید پایین و بالا می‌آید. «متن، پیشران حوزه فرهنگ است. حس نیاز به متن باید نهادینه شود و اصلا رسانه بدون متن قابل تصور نیست.» تعریف و تمجید دکتر جبلی از متن، کم کم به سمت انتقاد می‌رود. «اگر به اقتباس از آثار انقلابی و دفاع‌مقدس توجه نکنیم، در همه حوزه‌ها دچار اخلال می‌شویم.»

او به نکته ریزی هم اشاره می‌کند: «آثار فاخری مثل شوق پرواز ساخته شده ولی اکثر تولیدات ما، محصول تخیل نویسنده‌هایی است که ارتباط چندانی با حوزه مکتوب دفاع‌مقدس ندارند.» کاش تعدادی فیلمنامه‌نویس و مدیران حوزه سیما و نمایش هم اینجا بودند. هر جا موضوع کتاب باشد، میترا لبافی، خبرنگار کارکشته و سردبیر میز کتاب خبرگزاری صداوسیما هم حضور دارد.

او مشغول نوشتن نکات رئیس سازمان است که ناگهان با شنیدن نامش توسط صاحب همان صدا، تکان می‌خورد: «خانم لبافی اینجاست! در همین یک سال و خرده ای، حدود ۴۵۰ عنوان کتاب را خودش و همکارانش معرفی کرده‌اند.» سرها به سمت خانم لبافی که انتهای سالن نشسته می‌چرخد و او با لبخند، حرف‌ها را تایید می‌کند.

رئیس رسانه‌ملی ادامه می‌دهد: «اما این کار کافی نیست باید کار محتوایی کرد. باید تولید محتوا کنیم.» او به سالمی‌نژاد، مدیر نشر نیلوفران که از دزفول آمده و دقایقی قبل گفته‌بود اتاقی در سازمان به ناشران دفاع‌مقدس بدهید، رو می‌کند. «اتاق که هیچ! ما حاضریم به شما ساختمان بدهیم که برای‌مان تولید محتوا کنید.» همه می‌خندند. فضای جلسه در این دو ساعت، سخت و فشرده نیست. گلایه‌ها و نکات درباره فعال شدن بیشتر بخش‌های مختلف سازمان مثل برون‌مرزی در حوزه ترجمه یا استان‌ها در حوزه معرفی ناشران بومی، آموزش سواد رسانه‌ای در شبکه‌ها و... است.

جبلی از جلیلی، قائم‌مقامش در امور فرهنگی هم می‌خواهد از کارهایی که شده بگوید. او که در میان ناشران نشسته می‌گوید ما در کارگروه دفاع‌مقدس و مقاومت، سه کار انجام می‌دهیم. یکی غنی‌سازی برنامه‌های موجود با کتاب‌ها، دیگری ساخت کارهای کوتاه و دیگری کارهای مستقل مانند ساخت سریال، مسابقه و برنامه‌های گفت‌وگو محور. صدای اذان می‌آید و این یعنی پایان جلسه‌ای که دو ساعت قبل آغاز شده است.

همه دور رئیس سازمان حلقه می‌زنند و همراه باگپ زنی، کتابی هدیه می‌دهند. پوست پرتقال، نصفه کنده‌شده و در بشقاب باقی مانده‌است. روی کاغذی که کنار آن قرار دارد نوشته‌شده: «یادم باشد حتما بخرم. عصرهای کریسکان و جنگ صدام.» دستی کاغذ را از روی میز برمی‌دارد. همه برای گرفتن عکس یادگاری کنار رئیس سازمان حلقه می‌زنند.